

## فرا تحلیل مطالعات دینداری و مشارکت سیاسی

حسین ملتفت\*  
حسن شجاعی\*\*  
حسین کمالوند\*\*\*

### چکیده

تحقیق حاضر به بررسی مطالعات دینداری با مشارکت سیاسی با استفاده از رویکرد فراتحلیل می‌پردازد. این مقاله از نظر هدف، توصیفی و از نظر نوع استفاده، کاربردی است. جامعه آماری تحقیق، شامل پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، دکترا و مقالات مرتبط با دینداری با مشارکت سیاسی بود که تعداد ۲۳ مطالعه با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند به‌عنوان نمونه وارد فرایند فراتحلیل شدند. ضریب اندازه اثر با به‌کارگیری نرم‌افزار CMA2 مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصله نشان داد که رابطه بین تمام ابعاد دینداری با مشارکت سیاسی معنادار است این در حالی است که بعد عاطفی دینداری بیشترین اثر را بر مشارکت سیاسی دارد و بعد از آن ابعاد مناسکی و پیامدی در رتبه‌های بعدی تأثیرگذاری قرار دارند؛ اما ابعاد شناختی و تجربی کمترین اثر را بر مشارکت سیاسی داشته‌اند. در کل بین دینداری و مشارکت سیاسی هم رابطه معنادار متوسطی در مطالعات انجام شده در ایران مشاهده می‌شود. با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی جامعه ایران و مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است مشارکت سیاسی به‌عنوان یک رفتار اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله دینداری شهروندان است بنابراین این عامل در کنش متقابل با سایر عوامل موجود در جامعه بر رفتار مشارکت سیاسی شهروندان اثر می‌گذارد. نتایج تحقیق نشان داده است شهروندانی که به مسائل دینی اعتقاد دارند و به آنها عمل می‌کنند دارای مشارکت سیاسی بالاتری نسبت به بقیه هستند.

**کلید واژه‌ها:** مشارکت سیاسی، دینداری، فراتحلیل، ایران.

\* دکترای تخصصی، استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

moltafet\_h@scu.ac.ir

hasan.shojaie6677@gmail.com

hossein.kamalvand1802@gmail.com

\*\* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

\*\*\* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۳ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۵/۲۵

### مقدمه و بیان مسئله

از مشارکت تعاریف و تفسیرهای بسیاری به عمل آمده است. گستردگی مفهومی و وجود تفسیرهای متعدد یکی از ویژگی‌های این مفهوم است (شایگان، ۱۳۸۹، ص ۹۵). بنابراین به لحاظ موضوعی مشارکت را به گونه‌هایی چون مشارکت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و سیاسی تقسیم می‌نمایند، هرچند که تفکیک دقیق آنها به دلیل درهم تنیدگی، همپوشی و مکمل یکدیگر واقع شدن چندان امکان‌پذیر نمی‌باشد، لیکن در مقام شناخت و تحلیل می‌تواند سودمند باشد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۲۶).

مشارکت سیاسی از جمله ملزومات بنیادین مردم‌سالاری و شهروندی و از ضرورت‌های جدانشدنی نظام سیاسی در قرن بیست و یکم است. اصلی‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی سیاسی، پاسخ به نیاز فزاینده مشارکت سیاسی و نهادینه کردن آن در قالب نهادهای مدنی است. مطالعه مشارکت سیاسی هر جامعه‌ای شناخت رفتار سیاسی مردم آن را فراهم و مشخص می‌کند که در بسترهای اجتماعی گوناگون، میزان مشارکت سیاسی شهروندان چگونه و با تأثیر گرفتن از چه عواملی تغییر می‌یابد (سردارنیا و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۹۰). آنتونی اروم<sup>۱</sup> همچنین معتقد است مشارکت سیاسی نیازمند دریافت اطلاعات درباره ماهیت کلی و ویژه سیاست است. به نظر وی مردمی که اطلاعاتی را دریافت می‌کنند در مقایسه با دیگران کارا تر و به لحاظ روان‌شناسی درگیرتر هستند (خانیک و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۶)، کاسا<sup>۲</sup> و مارش<sup>۳</sup> مشارکت سیاسی را همه فعالیت‌های داوطلبانه توسط شهروندان برای تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر انتخاب‌های سیاسی در سطوح مختلف سیستم سیاسی تعریف کرده‌اند (کاسا و مارش، ۱۹۷۹، ص ۲۸؛ ون دیت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱، ص ۲). کانوی نیز، مشارکت سیاسی را، فعالیت شهروندانی که تلاش می‌کنند بر ساختار دولت، انتخاب مقامات دولتی و یا سیاست‌های دولت تأثیرگذار باشند، تعریف می‌کند (ایمبراسایت<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰، ص ۴۴).

واقعیت مشهود در حوزه‌های جامعه‌شناسی سیاسی و دین این است که تاکنون، بحث و فحوص درباره ارتباط میان دین و سیاست به طور عمده در سطح تحلیل کلان و در ساحت نظری مطرح گردیده؛ اما بررسی تجربی ارتباط میان این دو حوزه غالباً در سطح خرد صورت گرفته است و از این رو به ندرت شاهد بررسی تجربی ارتباط میان آنها در سطح کلان می‌باشیم. در کشور ما

- 
1. Anthony Orum
  2. Kaase
  3. Marsh
  4. van Deth
  5. Imbrasaate

خصوصاً، شناخت این ارتباط با توجه به دینی بودن نظام سیاسی (سیاست دینی)، سیاسی بودن دین حاکم (دین سیاسی) و در یک کلام، این همانی دین و سیاست در سطح کلان جامعه ایرانی حائز اهمیت و در خور توجه بیشتری است (معمار، ۱۳۹۶، ص ۲۵۴). بنابراین تأثیر دین به عنوان یکی از مهم ترین عوامل گسترش مشارکت مردمی در طول تاریخ به ویژه در جهان اسلام انکارناپذیر است. با توجه به اینکه، یکی از اهداف تلاش استعمارگران برای سکولارسازی جوامع مسلمان، بی تفاوت ساختن آنان در قبال سرنوشت اجتماعی خود و زمینه سازی برای تسلط آسان بر جوامع اسلامی بوده است توجه به تأثیر دینداری بر مشارکت سیاسی به عنوان مسئله ای اجتماعی مهم قابل بررسی است (ملائکه و امیری فر، ۱۳۹۷، ص ۴۶). پژوهش هایی چند در ایران به بررسی رابطه و تأثیر دینداری بر مشارکت سیاسی در ایران پرداخته اند که از این بین می توان به پژوهش امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۱)، گنجی و همکاران (۱۳۹۱)، ملائکه و امیری فر (۱۳۹۷)، ثانی (۱۳۹۱)، مولائی (۱۳۹۴)، معمار (۱۳۹۶)، امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۸۹)، زارع و روهنده (۱۳۹۵)، طالبان و میرزایی (۱۳۹۰)، باقریان جلودار و خوش فر (۱۳۹۶)، طالبان و میرزایی (۱۳۸۹) اشاره کرد. با توجه به اهمیت متغیر دینداری و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی، این مطالعه در صدد است به وسیله فراتحلیل به بررسی این رابطه بپردازد.

## مبانی نظری

### دینداری و مشارکت سیاسی

کوپر<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در بررسی مراحل انجام فراتحلیل اشاره می کند که در قسمت پیشینه تحقیق بیشتر به نظریاتی اشاره شده است که رابطه بین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی در فراتحلیل را نشان می دهند تا خواننده در ابتدا درک کلی از مهم ترین نظریاتی پیدا کند که در این حوزه وجود دارد (میرمحمدتبار و مظلوم خراسانی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۹) به همین منظور، در این قسمت از پژوهش، به چند نظریه مهم در زمینه دینداری و مشارکت سیاسی اشاره می شود. دین در گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی اهمیت زیادی دارد. تأثیر دین در گسترش مشارکت مردمی در طول تاریخ، به ویژه در جهان اسلام، انکارناپذیر است. ابن خلدون، متفکر بزرگ اسلامی، درباره نقش دین در مشارکت می گوید: «و دین در بین نیروها وحدت می آفریند، رقابت ها و حسادت ها را از بین می برد و به افراد روحیه ایثار می بخشد. این روحیه به افزایش مشارکت و ایجاد دولت های وسیع می انجامد. چنانچه باورهای مذهبی به دلیل تجمل پرستی و غیره

1. Cooper

به رکود گراید، وحدت اجتماعی متزلزل می‌شود (زارع و روهنده، ۱۳۹۴، ص ۶۹). میلبراث<sup>۱</sup> نیز بر دو مجموعه از عوامل مرتبط با مشارکت فردی در امور سیاسی تأکید می‌کند: وضعیت اقتصادی-اجتماعی و مرکزیت اجتماعی. در هر دو مجموعه، مشارکت چونان امری عقلانی و در آغاز معطوف به هدف نشان داده شده است. افرادی که سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت را هماهنگ با علایق و منافع خود می‌دانند، و همچنین معتقدند که اعمال خودشان، به‌طور انفرادی یا جمعی، می‌تواند بر تصمیمات حکومت اثر بگذارد، تلاش خواهند کرد چنین اثری بگذارند، مگر اینکه ویژگی‌های ساختاری نظام سیاسی مانع آنها بشود (مجدی نسب، ۱۳۹۴، ص ۷۷-۷۸؛ باقری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۲). همچنین به نظر میلبراث بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تحصیلات، شغل، درآمد، جنسیت، مذهب و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (ایمپرسایت، ۲۰۱۰، ص ۴۵).

وربا<sup>۲</sup> و همکارانش استدلال می‌کنند که زمان، پول و مهارت‌های مدنی منابع اصلی مشارکت سیاسی به شمار می‌روند. آنها معتقدند افرادی که دارای جهت‌گیری‌های دینی قوی‌ای می‌باشند، از طریق شرکت در اجلاس گروهی، سخنرانی در محافل عمومی، گفتگو با دیگران، و یا نوشتن نامه به مقامات، مهارت‌های مدنی خویش را افزایش می‌دهند. بدین ترتیب جهت‌گیری‌های مذهبی، انبوهی از منابع را فراهم می‌کنند که باعث تقویت رفتارهای جمعی افراد می‌گردد (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳۰). همچنین به نظر گات تأثیر دینداری بر مشارکت سیاسی می‌تواند چند جانبه باشد. به نظر او می‌توان پیش‌بینی کرد که بنیادگرایی مذهبی منجر به کاهش میزان مشارکت سیاسی در بین افراد جامعه می‌شود. زیرا جامعه مذهبی در معرض انحراف قرار می‌گیرد (کالکوف، ۲۰۱۴، ص ۶-۸).

لیپست و دوز<sup>۳</sup> در تجزیه و تحلیل رفتار سیاسی و مشارکت مردم در کشورهای آمریکا، کانادا، بریتانیا و استرالیا بر عوامل و متغیرهایی تأکید می‌ورزند که به اعتقادشان بر مشارکت سیاسی تأثیر مهمی دارد؛ ولی شدت و الگوی این تأثیرگذاری ثابت نبوده است. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: باورهای مذهبی، جنسیت، سن، نژاد، روستایی یا شهری بودن افراد، طبقه اجتماعی و پیوندهای منطقه‌ای (ملائکه و امیری‌فر، ۱۳۹۷، ص ۶۳). همچنین به اعتقاد جونز و لیل<sup>۴</sup> یکی از مهم‌ترین عواملی که بر روی رفتار مشارکتی و رفتار انتخاباتی افراد تأثیر می‌گذارد، جهت‌گیری دینی و

1. Milberath

2. Verba

3. Lipset and Dose

4. Jones and Leal

دینداری افراد است (زارع و روهنده، ۱۳۹۵، ص ۲۵). برادول<sup>۱</sup> نیز عواملی چون محل سکونت، سن، تحصیلات، درآمد، نژاد، قومیت و دین را بر میزان مشارکت متأثر می‌داند، و بر مبنای نتایج تحقیقات خود، در پاسخ به این پرسش که چرا مردم در امور سیاسی مشارکت می‌کنند، نقش عواملی چون منافع شخصی، نیازهای روانشناختی و اهداف شخصی را نام می‌برد. او دلایل مشارکت نکردن مردم را نیز محدودیت‌های قانونی، تضاد در زندگی شخصی، تهدید روانشناختی و فقدان مهارت در انجام فعالیت‌های سیاسی می‌داند. از نظر برادول چون بخشی از آمریکایی‌ها از شرایط خوب زندگی برخوردار هستند، بنابراین خواهان تغییر آن نیستند، و به همین دلیل، ضرورتی برای مشارکت در امور سیاسی نمی‌بینند. مضاف بر اینکه تحقیقات وی نشان می‌دهد که اعتماد آمریکایی‌ها به نظام سیاسی‌شان پایین است و این نیز باعث کاهش مشارکت مردم می‌شود. افزون‌بر موارد یاد شده، ناامیدی و دلسرد بودن از نتایج انتخابات، عدم رقابت کاندیداها و نبود کاندیدای رقیب، از عواملی است که بر مشارکت افراد در امور سیاسی و به‌ویژه در انتخابات تأثیرگذار است (مسعود نیا و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸). در نهایت در این پژوهش با بررسی نظریه‌های مطرح شده در خصوص دینداری و ابعاد به کار رفته در پژوهش‌های انجام شده هفت بعد، مناسکی، اعتقادی، تجربی، پیامدی، دانشی، اخلاقی و شناختی، دینداری شناخته شده که تأثیرگذار بر متغیر مشارکت سیاسی می‌باشند. و قصد داریم در این پژوهش با استفاده از تکنیک فراتحلیل به بررسی تأثیرگذاری این متغیرها بر متغیر مشارکت سیاسی بپردازیم.

## دینداری

به اعتقاد براون، در مورد معانی دینداری اختلاف نظرهای بسیاری میان اندیشمندان وجود دارد (براون، ۲۰۰۰<sup>۲</sup>، ص ۴؛ بیرز، ۲۰۱۷<sup>۳</sup>، ص ۲). پس نه تنها تعریف، دینداری، بلکه اندازه‌گیری دینداری نیز بسیار مشکل ساز شده است (هوککللی، ۲۰۱۰<sup>۴</sup>، ص ۸۱؛ آلتونسونمز، ۲۰۱۳<sup>۵</sup>، ص ۴۰۳)، به همین دلیل الگوهای دینداری متعددی از سوی صاحب‌نظران برای ابعاد دینداری طراحی شده است؛ از جمله الگوی دی جانگ<sup>۶</sup> و همکاران، الگوی دینداری کینگ و هانت<sup>۷</sup>

1. Broadwell
2. Braun
3. Beyers
4. Hokelekli
5. Altunsu
6. Di Jang
7. King & Hunt

الگوی دینداری همیل فارب،<sup>۱</sup> کانینگهام<sup>۲</sup> و پیچر<sup>۳</sup> و... یک الگوی جامع عملیاتی سازی دینداری نیز توسط گلارک و همکارانش انجام گرفت (بخشی و اعظم کاری، ۱۳۹۵، ص ۸۶).

دورکیم<sup>۴</sup> با تحلیل دین براساس توتم پرستی و ادیان ابتدایی گمان می کرد دین در جامعه مکانیکی نقشی اساسی دارد. او معتقد بود دینداری و ارزش های مذهبی در جوامع سنتی می تواند به مثابه وجدان جمعی و مسئولیت پذیری اجتماعی باشد. او با رویکردی کارکردی، نقش دین و ارزش های مذهبی را عاملی می دانست که افراد جامعه را در قالبی یکسان با اندیشه های هماهنگ، گرد هم آورده است و از این طریق افراد در احساس و عمل به یکدیگر تعلق خاطر می یابند و توجه به منافع فردی جای خود را به منافع جمعی می دهد؛ ولی با گذار از جامعه مکانیکی، دین جایگاه خود را از دست می دهد و اخلاق مدنی و حرفه ای جای آن را خواهد گرفت (طالبی و حاجیلو، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴). هری آلپرت،<sup>۵</sup> پژوهشگر دورکیمی، چهار کارکرد عمده دین را از نظر دورکیم به عنوان نیروهای اجتماعی انضباط بخش، انسجام بخش، حیات بخش و خوشبختی بخش طبقه بندی کرده است (کوزر، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰؛ افشانی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۵). رویکرد ویر<sup>۶</sup> به مذهب نیز شبیه همان سنتی است که دورکیم نماینده آن است، سنتی که عواقب اجتماعی باورها و رسوم توتم پرستان، رقص و دیگر فعالیت هایی را بررسی می کند که جنبه عبادی می یابند و نسبت به اشیاء مقدس انجام می شوند (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۴).

دینداری دارای ابعاد و درجات متفاوتی است. توجه به این تنوع و در نظر داشتن ابعاد متفاوت دین داری در مطالعات جامعه شناختی دینداری ضروری است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۴). گرهارد لانسکی،<sup>۷</sup> از نخستین افرادی است که الگوی دینداری خود را در قالب سنجش ابعاد و شاخص های دینداری در اوایل دهه ۱۹۶۰ ارائه کرده است. وی با استفاده از رویکردهای اجتماعی و شخصی، بیرونی و درونی، چهار بعد مختلف برای دینداری تعریف می کند. دو بعد از این ابعاد، با فعالیت های جمعی دینداری ارتباط دارند و به فعالیت های مشارکتی و نیز فعالیت های معاشرتی مشهور شده اند. دو بعد دیگر نیز با گرایش های گوناگون دینی در ارتباط اند که راست کیشی و دینداری عبودیتی نامیده می شوند. وی معتقد است که این چهار بعد، کاملاً جدا و مستقل از هم

- 
1. Himmelfarb
  2. Cunningham
  3. Pitcher.
  4. Durkheim
  5. Harry Alpert
  6. Veber
  7. Gerhard Lansky

هستند. لئسکی هر یک از ابعاد دینداری را این‌گونه شرح می‌دهد: پایبندی معاشرتی مبتنی بر تبادل فرد با خانواده و دوستان و هم‌کیشانی است که با او در دین و فرهنگ دینی سهیم‌اند؛ در حالی که پایبندی مشارکتی به مشارکت فرد در انجام فعالیت‌های دینی، به خصوص به صورت جمعی اشاره دارد. به عقیده لئسکی، جهت‌گیری عبودیتی یعنی همان ارتباط شخصی انسان دیندار با خدا، که موجب می‌شود فرد در تصمیمات مهم خود به خواست خدا به‌طور جدی توجه کند (محبوبی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰). شجاعی‌زند نیز اعتقاد دارد از آنجا که دین برای انسان است، نمی‌تواند ناظر به جنبه‌ها و ابعادی فراتر از ابعاد وجود انسان باشد. بنابراین، برای آنکه ابعاد دین و دینداری را به ابعاد وجودی انسان مرتبط کرده و الگویی برای سنجش دینداری در ایران بسازیم، اکتفا با آرای اجتماعی فلاسفه و متکلمان مسلمان در این باره می‌تواند ما را در جهت رسیدن به هدف کمک کند. درباره ابعاد دین در اسلام نیز در برخی موارد تعابیر متفاوتی وجود دارد که از سه بعد اعتقادات، احکام و اخلاق تا پنج بعد ایمان، عبادیات، اخلاق، عقیده و شریعت را در بر می‌گیرد (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۸، ص ۸). همچنین آیت‌الله مطهری (۱۳۹۶) طبقه‌بندی مشهوری از تعالیم اسلام را که مورد پذیرش بسیاری از دانشمندان اسلامی از جمله علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی است، در تبیین شرایع دینی اسلام پذیرفته و مورد استفاده قرار داده است. اصول عقاید، اخلاقیات و احکام سه بخش اساسی تعالیم اسلامی است که به عقیده ایشان به همه جوانب نیازهای انسان اعم از دنیوی و اخروی، جسمی یا روحی، عقلی یا عاطفی و فردی و اجتماعی توجه کرده است؛ اما یکی از مشهورترین الگوهایی که برای تعریف دینداری مطرح شده، الگوی گلاک و استارک است و این الگو با تأکید بر چند بعدی بودن مفهوم دینداری، علاوه بر آنکه منشا مباحثی در این زمینه شده، ادبیات مربوط به این موضوع را پربار کرده است (اعزازی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۶، ص ۱۱).

گلاک و استارک در کتاب ماهیت اجتماعات دینی اذعان کرده‌اند که با وجود تفاوت در میان ادیان مختلف وجوه مشترکی را در میان آنها می‌توان یافت. این وجوه یا عرصه‌ها در حقیقت ابعاد دینداری را تشکیل می‌دهند و عبارت از ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، عاطفی و فکری هستند (اونق و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۸).

**بعد اعتقادی (باوری):** این بعد شامل اعتقادات خاص بر جای مانده از پیروان یک دین است (جمشیدی سولکلو و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۰). گلاک و استارک بعد باور یا اعتقادی را بعد ایدئولوژیکی نیز نامیده‌اند (حضرتی صومعه، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲). آنان نیز این باورها و اعتقادات را در هر دین خاص، به سه نوع باور تقسیم کرده‌اند: ۱. باورهای پایه‌ای مسلم که ناظر به شهادت دادن به وجود خداوند و معرفی ذات و صفات اوست؛ ۲. باورهای غایت‌گر که هدف و خواست خداوند

از خلقت انسان و نقش انسان را در راه نیل به این هدف باز می‌نمایانند؛ ۳. باورهای زمینه‌ساز که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی‌ای را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آنها توجه کند، در بر می‌گیرد (باقریانی، ۱۳۹۳، ص ۹۲-۹۳).

**بعد پیامدی:** این بعد آثار دینی است که ناظر بر اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزانه است و به عبارت دیگر تأثیر و انعکاس دینی در رفتارهای روزمره است (بابایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۸).

**بعد دانشی (فکری):** بعد معرفتی، عقلانی یا دانش با بعد عقیدتی بسیار نزدیک است. تفاوت این دو بعد، مربوط به آگاهی و شناخت در اعتقادات در بعد دانش است. معرفت دینی، آگاهی به متون دینی است که می‌تواند الگویی برای باور، عمل و تجربه دینی باشد. از نظر گلاک و استارک، بعد معرفتی در ارتباط با مطالبی است که مردم از طریق عالمان دینی درباره مذهب می‌آموزند (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۸).

**بعد مناسکی (عملی):** نظام اعتقادی در هر دینی وجود دارد، اما آن اعتقادات به صورت مناسک نمود عینی می‌یابند. تمام ادیان بنا بر اقتضای نوع الهیات خود، نحوه خاصی از عمل و زیست را برای مؤمن الزام می‌کنند که همان عمل دینی است. این عمل خواه ناخواه، در پرتو نظام فقهی و اخلاقی سامان می‌گیرد. بعد عمل یا مناسک، اعمال دینی مشخصی نظیر، عبادت‌های فردی، نماز، روزه، صدقه، زکات و... را در بر می‌گیرد. گلاک و استارک در تشریح بعد مناسکی بر این نکته تأکید کرده‌اند که در عملیاتی کردن این بعد، علاوه بر مشارکت کردن در فعالیت‌های مناسکی، تفاوت‌های مربوط به ماهیت یک عمل و معنای آن عمل نزد فاعلان آن نیز بررسی می‌شود (حضرتی صومعه، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲).

**بعد عاطفی (تجربی):** در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود. گلاک و استارک در عین آگاهی از مشکلات مطالعه بعد تجربی دین، برای تعریف عملیاتی این بعد، روشی را مطرح کرده‌اند که چهار نوع از جلوه‌های عواطف دینی شامل، توجه، شناخت، اعتقاد یا ایمان و ترس را در بر می‌گرفت (باقریانی، ۱۳۹۳، ص ۹۳).

نظریه فوکویاما<sup>۱</sup> را نیز باید در زمره نخستین ایده‌هایی به شمار آورد که به چند بعدی بودن دینداری اشاره کرده‌اند. او در یک مطالعه اکتشافی به شیوه‌های متفاوت دینی بودن مردم اشاره کرده و در آن به ابعاد چهارگانه شناختی، آیینی، عقیدتی و عبادی تأکید نموده است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴، ص ۴۲).



### مشارکت سیاسی

به اعتقاد مایکل راش، مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری در نظام سیاسی تا داشتن مقام رسمی سیاسی است، همچنین وی مدلی ارائه می‌دهد که به نظر وی همه انواع و طیف‌های مشارکت سیاسی را در بر می‌گیرد. این رتبه‌بندی از بالا به پایین به ترتیب شامل، داشتن مقام سیاسی یا اجرایی، جستجوی مقامات سیاسی یا اجرایی، عضویت فعال در یک سازمان سیاسی، عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی، مشارکت در یک سازمان شبه سیاسی، عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی، مشارکت در بحث‌های سیاسی غیررسمی، اندکی علاقه به سیاست، رأی دادن و درگیر نشدن در سیاست می‌باشد (راش، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳-۱۲۶). همچنین وربای و نای نیز مدلی طراحی کرده‌اند که کنشگران را از نظر مشارکت سیاسی در شش دسته طبقه‌بندی می‌کنند: ۱. افراد کاملاً منفعل، ۲. افرادی که تنها فعالیت سیاسی آنان رأی دادن است، ۳. کوتاه‌بینان که تنها به مسائلی توجه دارند که از جنبه شخصی برایشان مهم باشد، ۴. فعالان محلی، کسانی که فعالیت سیاسی‌شان تنها به سیاست‌ها و مسائل محلی محدود می‌شود، ۵. مبارزان، که تنها در رابطه با مسائل خاصی که برای آنها مبارزه می‌کردند در سیاست درگیرند، ۶. افراد کاملاً فعال که در تمام زمینه‌های سیاست درگیر می‌شوند (صبوری کاشانی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰-۱۴۱). جیرینت پری<sup>۱</sup> هم معتقد است که باید سه جنبه مشارکت سیاسی یعنی شیوه مشارکت، شدت و کیفیت آن را بررسی کرد. منظور وی از شیوه مشارکت این است که مشارکت چه شکلی به خود می‌گیرد. آیا رسمی است یا غیررسمی و استدلال می‌کند که شیوه مشارکت بر طبق فرصت، میزان علاقه، منابع در دسترس فرد و نگرش‌های رایج نسبت به مشارکت در جامعه مربوط و به‌ویژه اینکه آیا مشارکت تشویق می‌شود یا نمی‌شود فرق خواهد کرد. شدت نیز به تعداد افرادی که در فعالیت‌های سیاسی معین شرکت می‌کنند و نیز تعداد دفعات مشارکت آنها اشاره دارد. و منظور از کیفیت، میزان اثربخشی حاصل از مشارکت و سنجش تأثیر آن بر کسانی که قدرت اعمال می‌کنند و بر سیاست‌گذاری مربوط می‌شود (راش، ۱۳۹۰<sup>۲</sup>، ص ۱۲۳-۱۲۴).

---

1. peri

2. Rush

### روش‌شناسی تحقیق

در سال‌های اخیر با رشد مطالعات در حوزه‌های مختلف علوم و مواجه شدن جامعه علمی با انفجار اطلاعات، اندیشمندان در عمل به این نتیجه رسیده‌اند که اطلاع و تسلط بر تمامی ابعاد یک رشته و به روز بودن در این زمینه، تا حدود زیادی امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین امکان پژوهش‌های ترکیبی که عصاره مطالعات انجام شده در این موضوع خاص را به شیوه نظام‌مند علمی، فراروی پژوهشگران قرار دهند، گسترش روزافزون یافته است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۶۰)، فرامطالعه یکی از روش‌هایی است که به منظور بررسی، ترکیب و تحلیل پژوهش‌های گذشته مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرامطالعه به تجزیه و تحلیل عمیق کارهای پژوهشی انجام شده در یک حوزه خاص می‌پردازد (مبینی دهکردی و کشتکار هرانکی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۲)، بنج و دی، در ارتباط با روش فرامطالعه نتیجه‌گیری می‌کنند که فرامطالعه شامل چهار قسمت اصلی به شرح زیر است:

**فرا ترکیب:** فرا ترکیب نوعی مطالعه کیفی است که یافته‌ها و اطلاعات استخراج شده از مطالعات کیفی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند. در نتیجه نمونه مورد نظر برای فرا ترکیب، از مطالعات کیفی منتخب و براساس ارتباط آنها با سؤال پژوهش تشکیل می‌شود. فرا ترکیب، مرور یکپارچه ادبیات کیفی موضوع مورد نظر نیست، همچنین، تجزیه و تحلیل داده‌های ثانویه و داده‌های اصلی از مطالعات منتخب نیز نیست، بلکه، تحلیل یافته‌های آن مطالعات است (صالح‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۸۲).

**فراروش:** فراروش تناسب و درستی روش‌های تحقیق در مطالعات اولیه را مورد بررسی قرار می‌دهد. این قسمت شامل تجزیه و تحلیل رویکرد، روش‌های نمونه‌گیری، روش نوشتن فرضیه‌ها، متغیرها، جامعه و نمونه و هر آن چیزی که به بحث روش‌شناسی مربوط است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳).

**فرانظریه:** به‌طور کلی فرایند فرانظریه‌پردازی شامل فعالیت‌های فکری گسترده‌ای چون مقوله‌بندی نظریه‌ها، مقوله‌بندی اجزاء نظریه‌ها، بازاندیشی، واکاوی و ساختار بندی دوباره نظریه‌ها و امثال اینها می‌شود. درست همان‌گونه که نظریه‌پردازی منجر به خلق یک نظریه می‌شود، محصول ویژه فرانظریه‌پردازی نیز یک فرانظریه است (لطفی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۴۳)، بنابراین فرانظریه، تحلیل نظریه‌های مطالعات اولیه می‌باشد (نظری و دستار، ۱۳۹۷، ص ۱۸).

**فرا تحلیل:** اصطلاح فرا تحلیل برای نخستین بار در سال ۱۹۷۶ توسط جین گلاس<sup>۱</sup> در انجمن پژوهشی آمریکا به کار برده شد (سهرابی فرد، ۱۳۸۵، ص ۱۶۹). روش تحقیق در این پژوهش هم،

1. Glass

روش فراتحلیل است. در این روش، پژوهشگر نتایج تحقیقات مختلف و متعدد را با هم ترکیب کرده و نتایج جدید و منسجم را با استفاده از روش‌های نیرومند آماری استخراج می‌کند. در تحقیق فراتحلیل، محقق با ثبت ویژگی‌ها و یافته‌های توده‌ای از تحقیقات در قالب مفاهیم کمی، آنها را آماده استفاده از روش‌های نیرومند آماری می‌کند. فراتحلیل، تحلیل تحلیل‌هاست. تحلیل آماری مجموعه بزرگی از نتایج مطالعات منفرد با هدف یکی کردن و ادغام یافته‌هاست (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳). به عبارت دیگر، در فراتحلیل، کاوشی جامع، ارزیابی انتقادی و ترکیب کمی تمامی مستندات مربوط به تحقیقات گذشته انجام می‌شود تا جمع‌بندی کلی از آنها به عمل آید (قربانی‌زاده و حسن نانگیر، ۱۳۹۳، ص ۱۱). بنابراین فراتحلیل با ترکیب پژوهش‌های کمی مختلف به نتیجه‌گیری جامعه‌ای در مورد موضوع مورد نظر می‌رسد (آلن، ۲۰۰۹) در نتیجه بررسی‌های منظم و فراتحلیل می‌تواند نقش مهمی در طراحی تحقیقات جدید داشته باشند (بورنستاین و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۶۱).

به اعتقاد چانگ و همکاران، برای فراتحلیل می‌توان شش گام یا مرحله اصلی، تعریف سؤال تحقیق (بررسی تأثیر دینداری بر مشارکت سیاسی)، جستجوی ادبیات پژوهش (جستجوی پژوهش‌های مرتبط با دینداری و مشارکت سیاسی در پایگاه‌های اطلاعاتی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags)، پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)، پایگاه مرکز اسناد و مدارک علمی ایران (IranDoc)، پرتال علوم انسانی (Ensani.ir) و سیویلیکا (Civilica))، انتخاب تحقیقات (تمامی تحقیقات بالقوه مرتبط با موضوع پژوهشی بایستی برای تصمیم‌گیری مورد بررسی قرار گیرند و در نتیجه آن مشخص شود که کدام تحقیق وارد مطالعه شود و کدام یک از آنها از فرایند مطالعه خارج گردد، در این پژوهش هم ۲۳ مطالعه وارد فرایند فراتحلیل شده‌اند)، استخراج داده‌ها (نوع داده‌هایی که بایستی از هر تحقیق استخراج شود در مرحله طراحی تحقیق مشخص می‌شود و یک فرم استاندارد نیز برای ثبت این داده‌ها ایجاد می‌گردد)، تحلیل داده‌ها (در تحلیل داده‌ها بایستی شواهد و مدارک تحلیل شوند نه نقطه نظرات نویسندگان) و گزارش یافته‌ها و نتایج را در نظر گرفت (قربانی‌زاده و حسن نانگیر، ۱۳۹۳، ص ۳۴-۳۹).

با توجه به موضوع مطالعه جمعیت مورد مطالعه شامل تمام مطالعاتی بود که به بررسی رابطه دینداری با مشارکت سیاسی در ایران پرداخته بودند. برای یافتن مطالعات انجام شده در کشور، از پایگاه‌های اطلاعاتی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags)،

پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)، پایگاه مرکز اسناد و مدارک علمی ایران (IranDoc)، پرتال علوم انسانی (Ensani.ir) و سیویلیکا (Civilica) استفاده شده است. در نهایت حجم نمونه وارد شده به فراتحلیل پس از بررسی پژوهش‌های انجام شده، ۲۳ مطالعه (اعم از مقاله و پایان‌نامه) برای بررسی مطالعات دینداری و مشارکت سیاسی مشخص شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار CMA2، نرم‌افزار جامع فراتحلیل محاسبه و انجام شد. در این پژوهش برای انتخاب مطالعات برای انجام فراتحلیل از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند استفاده شده است. همچنین ملاک‌های انتخاب مطالعات برای فراتحلیل عبارت‌اند از: ۱. داشتن شرایط لازم از نظر روش‌شناسی (فرضیه‌سازی، روش تحقیق، حجم نمونه، روش نمونه‌گیری)؛ ۲. موضوع تحقیق، بررسی مطالعات دینداری و ابعاد آن با مشارکت سیاسی باشد؛ ۳. تحقیقات به صورت پیمایشی انجام شده باشد؛ ۴. تحقیق در ایران انجام شده باشد.

در نهایت با توجه به مدل دینداری گلارک و استارک و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی، در این پژوهش هشت فرضیه بررسی شد که بر پایه آن ارتباط مشارکت سیاسی با ابعاد مختلف دینداری از جمله اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی، تجربی، شناختی و اخلاقی و در نهایت با کل دینداری مورد ارزیابی قرار گرفته است.

### یافته‌های پژوهش

در این قسمت به اطلاعات توصیفی و تحلیل پرداخته می‌شود. در جدول شماره یک، پژوهش‌هایی که برای فراتحلیل انتخاب شده‌اند، آورده شده‌اند.

جدول ۱. پژوهش‌های انتخابی برای فراتحلیل

کد	پژوهشگر	سال	حجم نمونه	جامعه آماری	شیوه نمونه‌گیری
۱	بیژن زارع و مجید روهنده	۱۳۹۵	۴۰۰	شهروندان	خوشه‌ای چند مرحله‌ای
۲	سیدجواد امام، جمعه‌زاده، محمودرضا رهبرقاضی، کمال برزگرقاضی، زهرا صادقی نقدعلی	۱۳۹۲	۱۵۵	دانشجویان	-
۳	قربانعلی گنجی، حسن سرابلو و بدالله طالبی	۱۳۹۱	۳۱۳	دانشجویان	-
۴	سیدحسن ملانکه و الهام امیری‌فر	۱۳۹۷	۳۷۶	شهروندان	نمونه‌گیری دومرحله‌ای
۵	کبری بدرود	۱۳۹۵	۳۶۰	زنان	نمونه‌گیری خوشه‌ای
۶	زینب ثانی	۱۳۹۱	۲۱۸	شهروندان	نمونه‌گیری تصادفی
۷	محمدرضاباقری احمدآبادی	۱۳۷۷	۶۸۲	جوانان	نمونه‌گیری چند مرحله‌ای تصادفی

کد	پژوهشگر	سال	حجم نمونه	جامعه آماری	شیوه نمونه گیری
۸	زهرا شکوهی کوچی	۱۳۹۴	۳۸۶	زنان	نمونه گیری خوشه ای
۹	مجید قبادی	۱۳۹۱	۴۰۰	شهروندان	نمونه گیری طبقه ای متناسب
۱۰	علی اصغر فیروزجانیان گلوگاه	۱۳۸۰	۳۷۹	دانشجویان	نمونه گیری مختلط
۱۱	فرزانه محمدی	۱۳۸۷	۶۱۰	جوانان و میانسالان	نمونه گیری مختلط
۱۲	محمد رضا مولائی	۱۳۹۴	۳۹۵	دانش آموزان	نمونه گیری تصادفی ساده
۱۳	لیلا نیک پور قنوتی، مهدی معینی و حبیب احمدی	۱۳۹۱	۲۷۳	زنان	نمونه گیری تصادفی ساده
۱۴	سید جواد امام جمعه زاده، رضا محمود اوغلی و امید عیسی نژاد	۱۳۸۹	۱۸۸	دانشجویان	نمونه گیری خوشه ای
۱۵	سید احمد هاشمی	۱۳۹۴	۳۴۳	زنان	نمونه گیری تصادفی ساده
۱۶	حسین اطهری و ابوالقاسم شهریار	۱۳۹۳	۳۵۰	زنان	نمونه گیری مختلط
۱۷	ربابه پورجلی و هوشنگ نجفی	۱۳۹۳	۴۰۰	شهروندان	نمونه گیری خوشه ای
۱۸	بیژن زارع و مجید روهنده	۱۳۹۵	۴۰۰	شهروندان	نمونه گیری خوشه ای
۱۹	مصطفی باقریان جلودار و غلامرضا خوش فر	۱۳۹۶	۲۴۹	دانشجویان	نمونه گیری خوشه ای
۲۰	مهدی ادیبی سده و مسیح الله کیهانی	۱۳۸۵	۲۶۴	دانشجویان	نمونه گیری سهمیه ای
۲۱	فاطمه شاعری	۱۳۹۵	۳۸۳	شهروندان	نمونه گیری خوشه ای
۲۲	سید ضیاء هاشمی، مجید فولادیان و زینب فاطمی امین	۱۳۸۸	۱۶۴۳	شهروندان	نمونه گیری متناسب با حجم
۲۳	کاووس سید امامی و عبدالمطلب عبدالله	۱۳۸۸	۵۳۰	شهروندان	-

در جدول های شماره (۲ و ۳) مهم ترین ویژگی های پژوهش های مورد بررسی بر حسب متغیر مستقل و وابسته، آماره و اندازه آماره آورده شده است.

جدول ۲. ویژگی های پژوهش های انتخابی برای فراتحلیل

کد	متغیر مستقل پژوهش	عنوان انتخابی	متغیر وابسته	عنوان انتخابی	آماره	اندازه آماره
۱	دینداری	دینداری	مشارکت اجتماعی - سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۴۲۲
۱-۲	دینداری اعتقادی	دینداری اعتقادی	رفتار انتخاباتی تماشاگرانه	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۶۹۷
۲-۲	دینداری اعتقادی	دینداری اعتقادی	رفتار انتخاباتی متوسط	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۵۶۰
۳-۲	دینداری اعتقادی	دینداری اعتقادی	رفتار انتخاباتی فعال	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۵۴۰
۴-۲	دینداری عاطفی	دینداری عاطفی	رفتار انتخاباتی تماشاگرانه	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۷۴۱

کد	متغیر مستقل پژوهش	عنوان انتخابی	متغیر وابسته	عنوان انتخابی	آماره	اندازه آماره
۵-۲	دینداری عاطفی	دینداری عاطفی	رفتار انتخاباتی متوسط	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۵۶۳
۶-۲	دینداری عاطفی	دینداری عاطفی	رفتار انتخاباتی فعال	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۵۱۲
۷-۲	دینداری پیامدی	پیامدی	رفتار انتخاباتی تماشاگرانه	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۶۹۲
۸-۲	دینداری پیامدی	پیامدی	رفتار انتخاباتی متوسط	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۵۹۶
۹-۲	دینداری پیامدی	پیامدی	رفتار انتخاباتی فعال	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۶۰۷
۱۰-۲	دینداری مناسکی	دینداری مناسکی	رفتار انتخاباتی تماشاگرانه	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۷۹۵
۱۱-۲	دینداری مناسکی	دینداری مناسکی	رفتار انتخاباتی متوسط	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۶۶۵
۱۲-۲	دینداری مناسکی	دینداری مناسکی	رفتار انتخاباتی فعال	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۶۷۰
۱۳-۲	دینداری	دینداری	رفتار انتخاباتی تماشاگرانه	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۸۷
۱۴-۲	دینداری	دینداری	رفتار انتخاباتی متوسط	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۷۱
۱۵-۲	دینداری	دینداری	رفتار انتخاباتی فعال	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۷۱
۳	دینداری	دینداری	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۲۹۸
۱-۴	دینداری اعتقادی	دینداری اعتقادی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۳۵
۲-۴	دینداری پیامدی	پیامدی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۴۰
۳-۴	دینداری مناسکی	دینداری مناسکی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۳۸
۴-۴	دینداری تجربی	دینداری تجربی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۲۰
۵-۴	دینداری شناختی	دینداری شناختی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۲۵
۶-۴	دینداری	دینداری	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۳۴
۵	دینداری	دینداری	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	-۰/۵۳۶
۱-۶	منابع اطلاعاتی مذهبی	دینداری شناختی	نگرش به رأی دهی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۴۱۱
۲-۶	منابع اطلاعاتی	دینداری	فعالیت تبلیغی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۳۸۰

کد	متغیر مستقل پژوهش	عنوان انتخابی	متغیر وابسته	عنوان انتخابی	آماره	اندازه آماره
	مذهبی	شناختی			همبستگی	
۳-۶	منابع اطلاعاتی مذهبی	دینداری شناختی	درصد مشارکت در انتخابات مجلس	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۲۳۹
۴-۶	مرجع تقلید	دینداری اعتقادی	نگرش به رأی دهی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۳۲۸
۵-۶	مرجع تقلید	دینداری اعتقادی	فعالیت تبلیغی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۲۹۶
۶-۶	مرجع تقلید	دینداری اعتقادی	درصد مشارکت در انتخابات مجلس	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۲۲۴
۷	میزان مذهبی بودن	دینداری	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۱۶
۸	دینداری	دینداری	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۲۷۴
۹	دینداری	دینداری	مشارکت اجتماعی - سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۴۲۲

جدول ۳. ویژگی های پژوهش های انتخابی برای فراتحلیل

کد	متغیر مستقل پژوهش	عنوان انتخابی	متغیر وابسته	عنوان انتخابی	آماره	اندازه آماره
۱۰	تعهد مذهبی	دینداری	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۳۲
۱-۱۱	تعهد مذهبی جوانان	دینداری	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۵۷۱
۲-۱۱	تعهد مذهبی میانسالان	دینداری	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۶۵۲
۱۲	گرایش ظاهری به مذهب	دینداری اعتقادی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۳۴۲
۱۳	جهت گیری مذهبی	دینداری	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۵۶
۱-۱۴	بعد مناسب مذهبی	دینداری مناسبی	مشارکت سیاسی رسمی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۶۲
۲-۱۴	بعد مناسب مذهبی	دینداری مناسبی	مشارکت سیاسی غیر رسمی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۴۷۵
۳-۱۴	بعد مناسب مذهبی	دینداری مناسبی	مشارکت سیاسی ذهنی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۳۳
۴-۱۴	بعد مناسب مذهبی	دینداری مناسبی	مشارکت سیاسی عینی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۶۳۵
۵-۱۴	بعد مناسب مذهبی	دینداری مناسبی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۴۳
۶-۱۴	بعد اخلاق مذهبی	دینداری اخلاقی	مشارکت سیاسی رسمی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۵۹
۷-۱۴	بعد اخلاق مذهبی	دینداری اخلاقی	مشارکت سیاسی غیر رسمی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۴۷
۸-۱۴	بعد اخلاق مذهبی	دینداری	مشارکت سیاسی ذهنی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۲۸

کد	متغیر مستقل پژوهش	عنوان انتخابی	متغیر وابسته	عنوان انتخابی	آماره	اندازه آماره
		اخلاقی				
۹-۱۴	بعد اخلاق مذهبی	دینداری اخلاقی	مشارکت سیاسی عینی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۶۰
۱۰-۱۴	بعد اخلاق مذهبی	دینداری اخلاقی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۴۰
۱۵	میزان تقید مذهبی	دینداری اعتقادی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۲۶
۱۶	مذهبی بودن	دینداری	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۳۴۷
۱۷	پایبندی به باورهای دینی	دینداری اعتقادی	مشارکت اجتماعی-سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۳۰۶
۱-۱۸	بعد اعتقادی دینداری	دینداری اعتقادی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۱۳۷
۲-۱۸	بعد مناسکی دینداری	دینداری مناسکی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۴۴۱
۳-۱۸	بعد تجربی دینداری	دینداری تجربی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۲۳۵
۴-۱۸	بعد پیامدی دینداری	دینداری پیامدی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۳۴۳
۱-۱۹	بعد اعتقادی دینداری	دینداری اعتقادی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۶۹۸
۲-۱۹	بعد مناسکی دینداری	دینداری مناسکی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۷۸۳
۳-۱۹	بعد پیامدی دینداری	دینداری مناسکی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۵۷۲
۴-۱۹	بعد تجربی دینداری	دینداری تجربی	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۶۹۳
۲۰	دینداری	دینداری	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۱۳۳
۲۱	دینداری	دینداری	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۲۰۶
۲۲	درجه مذهبی بودن	دینداری	مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۳۵۸
۲۳	پایبندی به انجام تکالیف شرعی	دینداری مناسکی	مشارکت در انتخابات	مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۴۵

با توجه به داده‌های جدول شماره ۴ رابطه بین تمام ابعاد دینداری با مشارکت سیاسی معنادار است این در حالی است که بعد عاطفی دینداری بیشترین اثر را بر مشارکت سیاسی داشته و بعد از آن ابعاد مناسکی و پیامدی در رتبه‌های بعدی تأثیرگذاری قرار دارند؛ اما ابعاد شناختی و تجربی کمترین اثر را بر مشارکت سیاسی داشته‌اند.

در کل بین دینداری و مشارکت سیاسی هم رابطه معنادار متوسطی در مطالعات انجام شده در ایران مشاهده می‌شود.



جدول ۴. خلاصه اطلاعات مربوط به فراتحلیل دینداری و ابعاد آن با مشارکت سیاسی بر روی پژوهش‌های نمونه

متغیر	اثر	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	z-value	p-value	فرص ناهمگونی	
							p-value	آزمون (Q)
عاطفی	تصادفی	۰/۶۱۶	۰/۴۵۰	۰/۷۴۰	۶/۰۴۰	۰/۰۰۰	۱۲/۹۰۲	۸۴/۴۹۹
مناسکی	تصادفی	۰/۵۷۵	۰/۴۷۷	۰/۶۶۰	۹/۴۰۴	۰/۰۰۰	۱۵۱/۴۴۰	۹۲/۷۳۶
پیامدی	تصادفی	۰/۵۴۰	۰/۴۲۲	۰/۶۴۱	۷/۶۷۸	۰/۰۰۰	۴۳/۴۰۵	۸۸/۴۸۱
اخلاقی	تصادفی	۰/۴۷۶	۰/۳۵۲	۰/۵۸۴	۶/۷۴۴	۰/۰۰۰	۲۱/۸۶۳	۸۱/۷۰۵
اعتقادی	تصادفی	۰/۴۲۲	۰/۳۱۷	۰/۵۱۷	۷/۲۳۷	۰/۰۰۰	۱۶۰/۵۶۳	۹۲/۵۲۶
دینداری	تصادفی	۰/۴۰۹	۰/۲۷۴	۰/۵۲۸	۵/۵۶۱	۰/۰۰۰	۷۱۶/۳۹۲	۹۷/۶۲۷
تجربی	تصادفی	۰/۴۰۵	۰/۰۵۰	۰/۶۶۹	۲/۲۲۱	۰/۰۲۶	۷۴/۷۳۴	۹۷/۳۲۴
شناختی	ثابت	۰/۳۴۵	۰/۲۷۶	۰/۴۱۱	۹/۱۴۸	۰/۰۰۰	۴/۵۲۱	۵۵/۷۶۱

### نتیجه گیری

در پژوهش حاضر تلاش شده است که مطالعات دینداری و ابعاد آن را با مشارکت سیاسی به روشی متفاوت تر و جامع تر یعنی روش فراتحلیل مورد بررسی قرار گیرد. فراتحلیل، به عنوان روشی برای خلاصه کردن و ترکیب نتایج کمی تحقیقات پیشین، یا به عنوان یک روش برای رسیدن به اندازه اثر کمی بر اساس مطالعات فردی تعریف می شود (نزیم<sup>۱</sup> و کارادا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵، ص ۲۰-۲۱). بنابراین نتیجه فرضیه اول نشان می دهد که میانگین اثر دینداری اعتقادی (اثرات ترکیبی تصادفی) با مشارکت سیاسی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۴۲۲ هست. چون این اندازه برآورد در محدوده اطمینان است، از این رو باید گفت اندازه اثر دینداری اعتقادی با مشارکت سیاسی معنادار می باشد. لازم به ذکر است برآورد نقطه ای به دست آمده (۰/۴۲۲) بر مبنای معیار کوهن، حاکی از اثر در حد متوسط می باشد. یعنی ۴۲ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی توسط متغیر دینداری اعتقادی قابل تبیین است، پس در مجموع باید گفت دینداری اعتقادی در سطح متوسط می تواند بر مشارکت سیاسی اثر داشته باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت به هر میزان که دینداری اعتقادی در میان نمونه های پژوهشی افزایش یابد میزان مشارکت سیاسی نیز با افزایش رو به رو خواهد شد. نتایج این فرضیه با پژوهش های امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۲)، ملانکه و امیری فر (۱۳۹۷)، ثانی (۱۳۹۱)، مولائی (۱۳۹۴)، هاشمی (۱۳۹۴)، پورجبللی و نجفی (۱۳۹۳) و باقریان جلودار و خوش فر (۱۳۹۶) همسو می باشد.

نتیجه فرضیه دوم نشان می دهد که میانگین اثر دینداری عاطفی (اثرات ترکیبی تصادفی) با مشارکت سیاسی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۶۱۶ هست. بنابراین ۶۱ درصد از تغییرات

1. Nazım

2. Karada

مشارکت سیاسی توسط متغیر دینداری عاطفی در میان نمونه‌های پژوهش، قابل تبیین است. چون این اندازه برآورد در محدوده اطمینان است، بنابراین باید گفت اندازه اثر دینداری عاطفی با مشارکت سیاسی معنادار می‌باشد. گفتنی است برآورد نقطه‌ای به دست آمده (۰/۶۱۶) بر مبنای معیار کوهن، حاکی از اثر در حد بالا می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت به هر میزان که دینداری عاطفی در میان نمونه‌های پژوهش افزایش پیدا کند میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند. نتایج این فرضیه با پژوهش امام جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) همسو می‌باشد.

نتیجه فرضیه سوم نشان می‌دهد که میانگین اثر دینداری پیامدی (اثرات ترکیبی تصادفی) با مشارکت سیاسی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۵۴۰ هست. بنابراین ۵۴ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی توسط متغیر دینداری پیامدی در میان نمونه پژوهش قابل تبیین است. چون این اندازه برآورد در محدوده اطمینان است، لذا باید گفت اندازه اثر دینداری پیامدی با مشارکت سیاسی معنادار می‌باشد. لازم به ذکر است برآورد نقطه‌ای به دست آمده (۰/۵۴۰) بر مبنای معیار کوهن، حاکی از اثر در حد بالا می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت به هر میزان که دینداری پیامدی در میان نمونه‌های پژوهش افزایش پیدا کند میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های امام جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۲)، ملائکه و امیری‌فر (۱۳۹۷) و زارع و روهنده (۱۳۹۵) همسو می‌باشد.

نتیجه فرضیه چهارم نشان می‌دهد که میانگین اثر دینداری مناسکی (اثرات ترکیبی تصادفی) با مشارکت سیاسی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۵۷۵ هست. بنابراین ۵۷ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی توسط متغیر دینداری مناسکی در میان نمونه مورد پژوهش قابل تبیین است. چون این اندازه برآورد در محدوده اطمینان است، لذا باید گفت اندازه اثر دینداری مناسکی با مشارکت سیاسی معنادار می‌باشد. لازم به ذکر است برآورد نقطه‌ای به دست آمده (۰/۵۷۵) بر مبنای معیار کوهن، حاکی از اثر در حد بالا می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت به هر میزان که دینداری مناسکی در میان نمونه‌های پژوهش افزایش پیدا کند میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های امام جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۲)، ملائکه و امیری‌فر (۱۳۹۷)، امام جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)، باقریان جلودار و خوش‌فر (۱۳۹۶) و سید امامی و عبدالله (۱۳۸۸) همسو می‌باشد.

نتیجه فرضیه پنجم نشان می‌دهد که میانگین اثر دینداری تجربی (اثرات ترکیبی تصادفی) با مشارکت سیاسی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۴۰۵ هست. بنابراین ۴۰ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی توسط متغیر دینداری تجربی در میان نمونه مورد پژوهش قابل تبیین است. چون این اندازه برآورد در محدوده اطمینان است، لذا باید گفت اندازه اثر دینداری تجربی با مشارکت

سیاسی معنادار می‌باشد. لازم به ذکر است برآورد نقطه‌ای به دست آمده (۰/۴۰۵) بر مبنای معیار کوهن، حاکی از اثر در حد متوسط می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت به هر میزان که دینداری تجربی در میان نمونه‌های پژوهش افزایش پیدا کند میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند. نتایج این فرضیه با پژوهش ملائکه و امیری فر (۱۳۹۷) همسو می‌باشد.

نتیجه فرضیه ششم نشان می‌دهد که میانگین اثر دینداری شناختی (اثرات ترکیبی ثابت) با مشارکت سیاسی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۳۴۵ هست. بنابراین ۳۴ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی توسط متغیر دینداری شناختی در میان نمونه مورد پژوهش قابل تبیین است. چون این اندازه برآورد در محدوده اطمینان است، لذا باید گفت اندازه اثر دینداری شناختی با مشارکت سیاسی معنادار می‌باشد. لازم به ذکر است برآورد نقطه‌ای به دست آمده (۰/۳۴۵) بر مبنای معیار کوهن، حاکی از اثر در حد متوسط می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت به هر میزان که دینداری شناختی در میان نمونه‌های پژوهش افزایش پیدا کند میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند. نتایج این فرضیه با پژوهش ثانی (۱۳۹۱) همسو می‌باشد.

نتیجه فرضیه هفتم نشان می‌دهد که میانگین اثر دینداری اخلاقی (اثرات ترکیبی تصادفی) با مشارکت سیاسی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۴۷۶ هست. بنابراین ۴۷ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی توسط متغیر دینداری اخلاقی در میان نمونه مورد پژوهش قابل تبیین است. چون این اندازه برآورد در محدوده اطمینان است، لذا باید گفت اندازه اثر دینداری اخلاقی با مشارکت سیاسی معنادار می‌باشد. لازم به ذکر است برآورد نقطه‌ای به دست آمده (۰/۴۷۶) بر مبنای معیار کوهن، حاکی از اثر در حد متوسط می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت به هر میزان که دینداری اخلاقی در میان نمونه‌های پژوهشی افزایش یابد میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های امام جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) همسو می‌باشد.

نتیجه فرضیه هشتم نشان می‌دهد که میانگین اثر دینداری (اثرات ترکیبی تصادفی) با مشارکت سیاسی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۴۰۹ هست. بنابراین ۴۰ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی توسط متغیر دینداری در میان نمونه مورد پژوهش قابل تبیین است. چون این اندازه برآورد در محدوده اطمینان است، لذا باید گفت اندازه اثر دینداری با مشارکت سیاسی معنادار می‌باشد. همچنین برآورد نقطه‌ای به دست آمده (۰/۴۰۹) بر مبنای معیار کوهن، حاکی از اثر در حد متوسط می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به هر میزان که دینداری در میان نمونه‌های پژوهش افزایش پیدا کند میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های زارع و روهنده (۱۳۹۵)، امام جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۲)، گنجی و همکاران (۱۳۹۱)، ملائکه و امیری فر (۱۳۹۷)، بدرود (۱۳۹۵)، باقری احمدآبادی (۱۳۷۷)، شکوهی

کوچی (۱۳۹۴)، قبادی (۱۳۹۱)، فیروزجانیان گلوگاه (۱۳۸۰)، محمدی (۱۳۸۷)، نیک‌پور قنوتی و همکاران (۱۳۹۱)، اطهری و شهریاری (۱۳۹۳)، ادیبی سده و کیهانی (۱۳۸۵)، شاعری (۱۳۹۵) و هاشمی و همکاران (۱۳۸۸) همسو می‌باشد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد، که از میان ابعاد دینداری، دینداری عاطفی با اندازه اثر ۰/۶۱۶ بیشترین تأثیر را بر متغیر مشارکت سیاسی داشته است و به ترتیب ابعاد دینداری مناسکی با اندازه اثر ۰/۵۷۵، دینداری پیامدی با اندازه اثر ۰/۵۴۰، دینداری اخلاقی با اندازه اثر ۰/۴۷۶، دینداری اعتقادی با اندازه اثر ۰/۴۲۲ و دینداری تجربی با اندازه اثر ۰/۴۰۵ در رده‌های دوم تا ششم قرار دارند، بعد دینداری شناختی نیز با اندازه اثر ۰/۳۴۵ کمترین تأثیر را بر متغیر مشارکت سیاسی دارد. در تحلیل یافته‌ها می‌توان چنین بیان کرد که بعد عاطفی دین که مربوط به باور به وجود خدا و ارتباط با خدا در تصورات و احساسات است هر چه قوی‌تر بوده مشارکت سیاسی آنها نیز افزایش یافته و این باور بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان داشته است. پس از این موضوع بعد عملی و مناسکی دین بیشترین ارتباط را نشان داده که این مسئله حاکی از آن است که کسانی که علاوه بر باور و احساسات درونی نسبت به مسائل دینی به مناسک دینی نیز پایبند هستند بر مشارکت سیاسی آنها نیز اثرگذار است.

در مرحله بعد، بعد پیامدی است که مشارکت سیاسی هم خود می‌تواند به‌عنوان یکی از انعکاس‌های دین در جامعه باشد و طبیعی است که این بعد با مشارکت سیاسی شهروندان همبستگی و ارتباط زیادی داشته باشد. بنابراین در ایران این سه بعد از دینداری با مشارکت سیاسی رابطه قوی‌تری نسبت به سایر ابعاد دارند؛ اما همان‌گونه که داده‌ها نشان دادند در کل رابطه بین دینداری و ابعاد آن با مشارکت سیاسی در حد متوسطی است، این مسئله را می‌توان این‌چنین تبیین کرد که مشارکت سیاسی یک رفتار اجتماعی است و تحت تأثیر متغیرهای زیادی اتفاق می‌افتد و تجربه چند دهه مشارکت در انتخابات‌های مختلف در ایران نشان داده است که عوامل مختلفی در هر دوره بر مشارکت شهروندان اثرگذار بوده‌اند که یکی از این عوامل دین بوده است؛ عواملی همچون وضعیت اقتصادی جامعه، میزان رضایت شهروندان از منتخبین دوره قبل، تبلیغات سیاسی و عوامل مختلف احساسی اثرات زیادی بر مشارکت سیاسی شهروندان داشته است که به‌عنوان نمونه می‌توان به انتخاب مجلس در سال ۱۳۹۸ و سال ۱۳۸۴ اشاره کرد که میزان مشارکت در سال ۹۴ بیش از دو برابر سال ۹۸ بوده است. به‌علاوه با نگاهی به میزان دینداری ایرانیان در طول دهه‌های گذشته متوجه می‌شویم که هرچند در ظاهر در این مورد تغییر زیادی رخ نداده است و در کل جامعه ایران را یک جامعه مسلمان تشکیل می‌دهد یعنی با فرض ثابت گرفتن میزان دینداری،

تغییر در میزان مشارکت سیاسی شهروندان به واسطه متغیرهای دیگری است که در دوره‌های مختلف شاهد نوسان زیاد مشارکت سیاسی بوده‌ایم، بنابراین طبیعی است که میزان اثر دین بر مشارکت سیاسی زیاد نباشد؛ اما تحلیل دیگری که در این زمینه می‌توان ارائه کرد با عنایت به تحقیقاتی که در کشورهای مختلف دنیا در رابطه با بحث دینداری به‌ویژه در بعد عملی آن صورت گرفته، نشان داده که کشور ما در این بعد جایگاه مناسبی ندارد، بلکه عده‌ای به اسم به دین باور دارند؛ ولی در عمل چنین نیست. در این زمینه نتیجه تحقیق به خوبی نشان داد که بعد مناسکی تأثیر زیادی بر مشارکت سیاسی دارد، بنابراین شهروندانی که هم این مسئله را باور داشته‌اند و هم در عمل به آن پایبند بوده‌اند در نتیجه بر رفتار مشارکت سیاسی آنها نیز مؤثر بوده و به‌عنوان یکی از پیامدهای دین می‌توان به آن نگاه کرد؛ اما عکس این مسئله صادق نیست و در اینجاست که عوامل مختلف دیگر نقش بازی می‌کنند. در نهایت می‌توان گفت، دین و مذهب واقعی تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنش سیاسی افراد دارد. به لحاظ نظری و با توجه به نظریه آلپورت می‌توان گفت دین عملاً به‌عنوان یک سیستم ارزشی به حرکت‌های انسان جهت داده، هدفمند نموده و به سوی اعتلای روانی، انسانی و تکامل رهنمون می‌سازد. به عقیده آلپورت، مذهب به‌عنوان یک سیستم ارزشی باعث وحدت بخشیدن به حیات انسان می‌شود و به‌عنوان یک منبع یا عامل همبستگی اجتماعی عمل کرده و انسان دینی مسئول خود و محیط اجتماعی است و در برابر ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها موظف انگاشته شده است. در حقیقت سیاست در دیدگاه دینی به معنای حضور و مکلف بودن در برابر رخدادهای می‌باشد (امام جمعه‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۳۹). نکته حائز اهمیت برای نظام‌های سیاسی توجه به دین و منابع آن می‌باشد. چرا که «مشارکت دینی منظم، احساس تعلق به تشکیلات دینی، فعالیت گروهی و حضور در مراسم عبادی می‌تواند به ترغیب فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بینجامد. آلموند هم معتقد است ادیان بزرگ دنیا که حاملان ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی‌اند اغلب پیامدهای سیاسی دارند و وابستگی‌های دینی همواره منابع مهمی هستند که می‌توانند مردم را به ساخت انتخاب‌های سیاسی هدایت کنند. در نهایت اینکه مشارکت، انتخاب‌ها و فعالیت‌های سیاسی شهروندان انسجام و ثبات سیاسی را به‌همراه خواهد داشت که این انسجام بیشتر از طریق کارویژه‌های یکپارچه دین حفظ می‌شود (گنجی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۶۲).

## منابع

۱. احمدی، یعقوب (۱۳۸۸)، «وضعیت دینداری و نگرش به آینده در میان نسل‌ها؛ مطالعه موردی شهر سنندج»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، ش ۱، ص ۱۷-۳۴.
۲. ادیبی سده، مهدی و مسیح‌الله کیهانی (۱۳۸۵)، «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال اول، پیش شماره اول، ص ۱۵۱-۱۷۶.
۳. اطهری، حسین و ابوالقاسم شهریاری (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی مطالعه موردی زنان شهر بوشهر»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۳، ش ۲، ص ۲۶۵-۲۸۶.
۴. اعزازی، سیدمسعود و حبیب ابراهیم‌پور (۱۳۹۶)، «بررسی نقش دینداری در توسعه کارآمدی معلمان دبیرستان‌های اردبیل»، مجله روان‌شناسی مدرسه، دوره ۶، ش ۴، ص ۷-۲۴.
۵. افشانی، سیدعلیرضا؛ یاسین خرم‌پور و سجاد ممینی (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه دینداری و نگرش به مصرف سیگار در بین دانشجویان یزد»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ۸، ش ۱، پی‌اپی (۲۴)، ص ۵۹-۸۰.
۶. امام جمعه‌زاده، سیدجواد؛ رضا محموداوغلی و امید عیسی‌نژاد (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ششم، ش ۱ (پی‌اپی ۲۱)، ص ۷-۳۴.
۷. امام جمعه‌زاده، سیدجواد؛ محمود رضا رهبر قاضی؛ امید عیسی‌نژاد و زهره مرندی (۱۳۹۱) «بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، سال ۸، ش ۱، پی‌اپی ۱۵، ص ۳۷-۶۸.
۸. امام جمعه‌زاده، سیدجواد؛ محمود رضا رهبر قاضی؛ کمال برزگر قاضی و زهرا صادقی نقد علی (۱۳۹۲)، «رابطه میان دینداری و رفتار انتخاباتی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تبریز»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۳، ش ۸، ص ۲۷-۴۴.
۹. بابایی‌فرد، اسدالله؛ حسن پیری؛ محمد سلیمان‌نژاد و محمد منتی (۱۳۹۸)، «فراتحلیل مطالعات دینداری و هویت ملی در ایران»، فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۰، ش ۱، ص ۱-۲۲.
۱۰. باقری احمدآبادی، محمدرضا (۱۳۷۷)، «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان: مورد مطالعه شهر شیراز»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، رشته جامعه‌شناسی.

۱۱. باقری، معصومه؛ علی حسین حسین زاده و حسن شجاعی (۱۳۹۷)، «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر مشارکت سیاسی زنان در شهر اهواز»، دوفصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ۴، ش ۶، ص ۱-۳۱.
۱۲. باقریان جلودار، مصطفی و غلامرضا خوش فر (۱۳۹۶)، «بررسی تأثیر ابعاد دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه مازندران»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۶، ش ۷۶، ص ۱۷۵-۲۱۲.
۱۳. باقریانی، فریده (۱۳۹۳)، «رابطه دینداری با اعتماد اجتماعی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بهبهان»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۴، ش ۵۵، ص ۷۹-۱۰۷.
۱۴. بخشی، حامد و فائزه اعظم کاری (۱۳۹۵)، «بررسی نیم رخ مؤلفه های دین داری و تأثیر پذیری دینی مخاطبان فیلم های جشنواره رویش»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی، دین و ارتباطات، سال بیست و سوم، ش ۱، پیاپی (۴۹)، ص ۸۱-۱۰۸.
۱۵. بدرود، کبری (۱۳۹۵)، «بررسی میزان مسارکت سیاسی زنان و عوامل مرتبط با آن در شهر بوکان در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۴»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، واحد رباط کریم، رشته جامعه شناسی، گرایش جامعه شناسی.
۱۶. ثانی، زینب (۱۳۹۱)، «بررسی نقش مذهب بر مشارکت سیاسی با تأکید بر سازوکار تولید احساس»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، رشته پژوهش علوم اجتماعی.
۱۷. جمشیدی سولکلو، بهنام؛ نرگس عرب مقدم و فریده درخواه (۱۳۹۳)، «رابطه دینداری و تاب آوری در دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان شهر شیراز»، فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء (ع)، دوره ۱۰، ش ۱، ص ۱۴۱-۱۶۱.
۱۸. حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۵)، «میزان دینداری زنان دانشجو و عوامل اجتماعی مؤثر در آن (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)، مطالعات راهبردی زنان»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال ۱۹، ش ۷۳، ص ۱۲۵-۱۵۱.
۱۹. خانیک، هادی؛ مصطفی رهبر و الهام گوهریان (۱۳۹۵)، «نقش ارتباطات میان فردی و رسانه های جمعی در رفتار سیاسی؛ مطالعه تطبیقی انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در شهر تهران»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۶، ش ۷۴، ص ۱-۳۴.
۲۰. راش، مایکل (۱۳۹۰)، جامعه و سیاست؛ مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.

۲۱. زارع، بیژن و مجید روهنده (۱۳۹۵)، «پژوهشی در باب دینداری و مشارکت سیاسی؛ مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج»، دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال ۵، ش ۸، ص ۲۳-۴۶.
۲۲. سراج‌زاده، سیدحسین و محمدرضا پویافر (۱۳۸۸)، «سنجش دینداری با رهیافت بومی»، فصلنامه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)، ش ۲، ص ۱-۱۸.
۲۳. سردارنیا، خلیل‌الله؛ سینا امینی‌زاده و مظفر حسن‌وند (۱۳۹۸)، «تأثیر رسانه‌های جدید با واسطه‌گری متغیرهای اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۳۰، شماره پیاپی (۷۴)، ش ۲، ص ۸۵-۱۰۰.
۲۴. سهرابی‌فرد، نسرین (۱۳۸۵)، «مروری بر مبانی فراتحلیل، فصلنامه روانشناسان ایرانی»، سال ۳، ش ۱۰، ص ۱۶۹-۱۷۱.
۲۵. سید امامی، کاووس و عبدالمطلب عبدالله (۱۳۸۸)، «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس؛ مطالعه موردی شهر تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی»، سال ۴، ش ۴، ص ۱۰۹-۱۴۶.
۲۶. شاعری، فاطمه (۱۳۹۵)، «بررسی نقش عوامل اقتصادی و فرهنگی (فرهنگ سیاسی) بر مشارکت سیاسی؛ نمونه مورد بررسی: شهروندان بالای ۲۵ سال ساکن در شهرستان بجنورد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی، رشته جامعه‌شناسی.
۲۷. شایگان، فریبا (۱۳۸۹)، تبیین جامعه‌شناختی مشارکت مردم در مساجد، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۲۸. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۱، ص ۳۴-۶۶.
۲۹. شکوهی کوچی، زهرا (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مرتبط با مشارکت سیاسی زنان یزد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی.
۳۰. صادقی، امیر؛ اصغر مشبکی اصفهانی؛ اسدالله کرد نائج و سیدحمید خدادحسینی (۱۳۹۴)، «فراروش پژوهش‌های مدیریت اسلامی در ایران (مورد مطالعه: مقاله‌های علمی-پژوهشی ۱۳۸۰-۱۳۹۴)»، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۳، ش ۴، ص ۱۰۱-۱۳۱.



۳۱. صالح‌نژاد، سید عبدالله؛ حسن درویش؛ علی‌اکبر احمدی و لطف‌الله فروزنده (۱۳۹۷)، «فرا ترکیب مطالعات منزلت کارکنان در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، سال دهم، ش ۲، شماره پیاپی ۳۲، ص ۷۵-۱۰۰.
۳۲. صبوری کاشانی، منوچهر (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر سخن.
۳۳. طالبان، محمدرضا و مهدی میرزایی (۱۳۸۹)، «بررسی تجربی ارتباط سطوح دینداری با رفتار انتخاباتی دانشجویان»، دانشنامه علوم اجتماعی تربیت مدرس، دوره ۱، ش ۴، ص ۳۳-۶۷.
۳۴. طالبان، محمدرضا و مهدی میرزایی (۱۳۹۰)، «دین‌داری و رفتار انتخاباتی، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد»، سال ۸، ش ۲، ص ۱۳۱-۱۶۷.
۳۵. طالبی، ابوتراب و زینب حاجیلو (۱۳۹۲)، «تأثیر دینداری بر اعتماد، فراتحلیل پژوهش‌های ده سال اخیر در ایران»، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۵، ش ۱، ص ۱۰۹-۱۳۷.
۳۶. عباسی، محرم؛ الهام ابراهیمی؛ ملیحه شیخی قهی و علیرضا اکبری (۱۳۹۸)، «تحلیل سطوح مفهوم سرمایه اجتماعی با رویکرد فرا ترکیب»، فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دهم، ش ۲، ص ۵۵-۷۹.
۳۷. غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی مشارکت، تهران: نشر نزدیک.
۳۸. فیروزجانیان گلوگاه، علی‌اصغر (۱۳۸۰)، «بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنها؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، رشته جامعه‌شناسی.
۳۹. قبادی، مجید (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی-سیاسی؛ مطالعه موردی: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، رشته جامعه‌شناسی.
۴۰. قربانی‌زاده وجه‌الله و سیدطه حسن نانگیر (۱۳۹۳)، «راهنمای کاربردی فراتحلیل با نرم‌افزار CMA2»، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۴۱. کوزر، لوئیس (۱۳۸۲)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۴۲. گنجی، قربانعلی، حسین سرایلو و یدالله طالبی (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ۵، ش ۱۷، ص ۱۴۳-۱۶۶.

۴۳. لطفی‌زاده، عباس؛ رضا ابراهیمی و اسلام ابراهیمی (۱۳۸۹)، «فرانزیه‌پردازی در علوم اجتماعی»، مطالعات جامعه‌شناسی، سال ۲، ش ۷، ص ۴۱-۵۶.
۴۴. مبینی دهکردی، علی و مهران کشتکار هرانکی (۱۳۹۵)، «فرا ترکیب مدل‌های نوآوری اجتماعی»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال ۷، ش ۲۶، ص ۱۰۱-۱۳۸.
۴۵. مجدلی نسب، محمد اسلام (۱۳۹۴)، «مشارکت سیاسی چگونگی و چرایی»، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۴۶. محبوبی، رضا (۱۳۹۴)، «ساخت مقیاس (بومی) برای سنجش دینداری»، فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی ۹، سال ۴، ش ۱، ص ۱۱۷-۱۳۴.
۴۷. محمدی، فرزانه (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مرتبط با مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان؛ مطالعه موردی شهرستان نورآباد ممسنی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، رشته جامعه‌شناسی.
۴۸. محمدی، محمدعلی؛ ابوعلی ودادهیر؛ علیرضا سیفی و روشنک مشتاق (۱۳۹۱)، «فرا تحلیل مطالعات فقر در ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، ش ۴۵، ص ۷-۳۴.
۴۹. مسعودنیا، حسین و نجات محمدی؛ گل‌مراد مرادی و عاطفه فروغی (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل اجتماعی-روانشناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی استادان دانشگاه مورد مطالعه؛ دانشگاه اصفهان»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۳، شماره پیاپی (۴۸)، ش ۴، ص ۱۰۳-۱۲۴.
۵۰. معمار، رحمت‌اله (۱۳۹۶)، «پژوهشی جامعه‌شناختی درباره تأثیر دینی بودن و نوع مذهب بر مشارکت سیاسی در ایران: یک تحلیل کل‌نگر»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۴ (۹)، ص ۲۵۳-۲۸۳.
۵۱. ملائکه، سیدحسن و الهام امیری‌فرد (۱۳۹۷)، «بررسی ارتباط بین ابعاد مختلف دینداری و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر ایزده»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ۱۲، ش ۲، پیاپی (۴۱)، ص ۶۱-۸۶.
۵۲. مولائی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «نقش رفتارهای نوع دوستانه و گرایش‌های مذهبی در پیش‌بینی مشارکت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان دبیرستان‌های اردبیل»، مجله روان‌شناسی مدرسه، دوره ۴، ش ۲، ص ۱۰۴-۱۱۷.
۵۳. میرفردی، اصغر؛ مریم مختاری و عبدالله ولی‌نژاد (۱۳۹۶)، «میزان دینداری و ارتباط آن با استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه یاسوج)»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۸، شماره پیاپی (۶۶)، ش ۲، ص ۱-۱۶.

۵۴. میر محمد تبار، سید احمد و محمد مظلوم خراسانی (۱۳۹۶)، «فرا تحلیل تحقیقات انجام شده در حوزه مسائل اجتماعی ایران؛ با تأکید بر سوء مصرف مواد»، مسائل اجتماعی ایران، سال ۸، ش ۱، ص ۱۴۵-۱۶۵.
۵۵. نظری، محسن و حسین دستار (۱۳۹۷)، «عوامل تعیین کننده تصویر قیمتی فروشگاه‌ها: رهیافت فراترکیب»، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات بازاریابی نوین، سال ۸، ش ۱، شماره پیاپی (۲۸)، ص ۱-۲۰.
۵۶. نیازی، محسن؛ حامد نظری و ایوب سخایی (۱۳۹۶)، «فرا تحلیل پژوهش‌های میزان دینداری و احساس امنیت اجتماعی»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال ۹، ش ۱، ص ۱-۲۲.
۵۷. نیک پور قوتی، لیلا؛ مهدی معینی و حبیب احمدی (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی، زن و جامعه» (جامعه‌شناسی زنان سابق)، سال ۳، ش ۱ (پیاپی ۹)، ص ۳۹-۶۲.
۵۸. هاشمی، سید احمد (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان؛ مطالعه موردی: زنان ۱۸ تا ۳۹ سال شهرستان لامرد»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال ۶، ش ۱، (پیاپی ۲۱)، ص ۸۷-۱۰۲.
۵۹. هاشمی، سید ضیاء؛ مجید فولادیان و زینب فاطمی امین (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۵، ش ۱، ص ۱۹۹-۲۲۶.
1. Allen M (2009) Meta-analysis. *Communication Monographs*, No 76(4), p-p 398-407.
  2. Altunsu sonmez, Ozlen (2013) Religiosity and political participation of university student in turkey, *Mediterranean journal of social sciences* , Vol4, No10, p-p 403-409.
  3. Beyers, Jaco (2017) Religion and culture: *Revisiting a close relative*, 73(1), a3864. <https://doi.Org/10.4102/hts.v73i1.386>, p-p 1-9.
  4. Borenstein, Michael, Larry V. Hedges, Julian P.T.Higgins and HannahR.Rothstein (2009) *Introductionto Meta-Analysis*, India Printed in the UK by TJ International, Padstow, Cornwall.
  5. Braun, W, (2000) 'Religion', in W. Braun & R.T. McCutcheon (eds.), *Guide to the study of religion*, pp. 3-18, Cassell, London.
  6. Cooper, H. M. (2009) *Research Synthesis and Meta-analysis: A Step-by-Step Approach*, Thousand Oaks, CA: Sage.

7. Hokelekli, H. (2010) *Din Psikolojisine Giris*, Dem Yayinlari, 1st ed, Istanbul.
8. Imbrasaite, Jurate (2010) What types of participation: patterns of political participation in lithvania, Kultur Irvisomene, *Socialiniu tyrima Zurnalas*, No 1, p-p 43-61.
9. Kaase, Max and Alan Marsh (1979), "Political Action. A Theoretical Perspective". In: Samuel Barnes, Max Kaase et al., *Political Action: Mass Participation in Five Western Democracies*. London: Sage, pp. 27-56.
10. Kulkova, Annay (2014) Religiossty and political participation in contemporary Russia; *A Quantitative analysis , national research university higher school of economics*, p-p 1-26.
11. Nazım C, o\_galtay and Engin Karada (2015) *Introduction to Meta-Analysis* Springer International Publishing Switzerland, *Leadership and Organizational Outcomes*, p-p 19-28.
12. van Niekerk, brimadevi (2018) Religion and spirituality: What are the fundamental differences, *HTS Teologiese Studies/Theological Studies*, 74(3), 4933. <https://doi.org/10.4102/hts.v74i3.4933>, p-p 1-11.